

«(شرق)» تأثیر شکاف پیش آمده در روابط آمریکا و اروپا بر سیاست خارجی ایران را بررسی می‌کند

فرصت یا تهدید؟

محسن بهاروند: شکاف در روابط اروپا و آمریکا به معنای فرصت برای ایران نیست، اما در عین حال نباید از مذاکره بترسیم



عبدالرحمن فتح‌الهی؛ اقدامات دونالد ترامپ در یک ماهی که به کاخ سفید بازگشته، اروپایی‌ها را به وحشت انداخته است و پس از آن شاهد شکاف سابق‌های در مناسبات دو سوی اتلانتیک هستیم. شاید آغاز مذاکرات آمریکا و روسیه به میزبانی ریاض برای پایان دادن به جنگ اوکراین بدون حضور اروپایی‌ها سرفصل آغاز این گسل باشد، اما تنها دلیل رویارویی اروپا با آمریکا ناظر بر این بحث نیست. با ارجاعی به کارنامه دولت اول ترامپ، شاهد آن بودیم که ایالات متحده در آن برهه به دلیل اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه، رویکرد «چندجانبه‌گرایی» اروپا را به چالش کشید و با خروج از توافق‌های بین‌المللی مانند توافق آب‌وهوایی پاریس و توافق هسته‌ای ایران (برجام)، تعرفه‌های جدیدی بر فولاد و آلومینیوم اروپا وضع کرد و روابط با اروپا را تیره کرد. ترامپ در دولت اولش، حتی متحدان اروپایی را «دشمنان تجاری» خواند. به نوشته خبر فوری، اختلاف ترامپ با اروپا ناشی از موارد چندگانه است؛ از سیاست خارجی و توافق‌های بین‌المللی و تأکید بر منافع ملی آمریکا گرفته تا مسائل اقتصادی و وضع تعرفه بر کالا‌های اروپایی که بی‌شک در دولت دوم ترامپ به شکل پررنگ‌تری ادامه خواهد یافت و به تبع آن، شکاف فعلی عمیق‌تر هم خواهد شد.

نه اتفاقا به نظر من سناریوی دوم قدری به واقعیت نزدیک‌تر است. یعنی به باور من هم اگرچه شاهد اختلافات بین اروپا و آمریکا هستیم، اما کماکان اشتراک نظر خود را در قبال ایران دارند.

✦ یعنی نمی‌توان به مذاکرات با اروپا از جانب جمهوری اسلامی ایران امیدوار بود؟

همان‌گونه که در پاسخ به پرسش‌های قبلی مطرح کردم، اروپا حتی اگر اشتراک نظر با آمریکا داشته باشد یا اختلافات و گسل فعلی شدیدتر هم نبشود، در قبال ایران نمی‌تواند سیاست مستقل و جداگانه‌ای از ایالات متحده را اجرایی کند.

✦ به چه دلیل؟

چون قبل‌تر گفتیم که اروپایی‌ها کماکان با همان مفروضات و کلیشه‌های مربوط به جنگ سرد به سیاست خارجی نگاه می‌کنند و سعی دارند آمریکا را مرکز و کانون نظم بین‌الملل و اروپا را حامی آن در نظر بگیرند. در حالی که نمی‌توان جایگاهی برای آن نظم مدنظر اروپا قائل بود. به همین دلیل اروپایی‌ها در هر حالتی در قبال ایران یا هر موضوع سیاست خارجی با همان مفروضات گذشته قائل به این هستند که بدون آمریکا نمی‌توانند کاری انجام دهند. با این حال و در پاسخ مشخص به پرسش قبلی شما، من کماکان معتقدم اشتراک نظری بین اروپا و آمریکا در خصوص نوع مواجهه و تقابل با ایران وجود دارد، با این تفاوت که تصمیم اصلی و نهایی بر عهده آمریکاست.

✦ اتفاقا جناب بهاروند برخی گزاره استقلال عملکرد اروپایی‌ها در قبال ایران را با توجه به رفتار، تصمیمات و اقدامات دونالد ترامپ در قبال روسیه و جنگ اوکراین مطرح کرده‌اند. به این معنا که اروپایی‌ها سعی دارند از موقعیت مذاکرات با ایران و حتی احتمالا فعال نگردن مکانیسم ماشه به عنوان اهرم موازنه‌ساز در ترسیم روابط با واشنگتن استفاده کنند تا…

نه اتفاقا کاملا برعکس است؛ یعنی به باور من در قبال موضوع جمهوری اسلامی ایران، اروپایی‌ها سعی خواهند کرد کماکان همبستگی، همسویی، همراهی و حمایت خود را از سیاست‌های آمریکا نشان دهند. به این معنا که اگر اروپا سعی کند و بخواهد روابط خود با آمریکا را با توجه به این شکاف فعلی به نحوی کنترل و مدیریت کند، یکی از این موضوعات به ایران اختصاص پیدا خواهد کرد.

✦ به چه دلیل چنین باوری دارید؟

چون اگر مذاکرات بین پوتین و ترامپ علاوه بر احیای روابط دوجانبه مسکو-واشنگتن به پایان‌دادن جنگ اوکراین منجر شود و این جنگ فلسفه، ماهیت و محتوای خود را از دست بدهد، اروپایی‌ها ناچار خواهند بود برای تداوم روابط و مناسبات با ایالات متحده آمریکا به دنبال پیداکردن نقاط و فصول مشترک دیگری باشند تا بتوانند با مانوردادن روی آن، این پالس را به کاخ سفید بدهند که اروپا همچنان متحد آمریکاست و اتفاقا به همین واسطه اروپا سعی خواهد کرد به فعال‌کردن مکانیسم ماشه همچنان همراهی، همسویی و حمایت خود را از سیاست‌های آمریکا نشان دهد. به بیان دیگر اروپا سعی می‌کند پرونده ایران را به موضوع و سرفصل توافق با آمریکا تبدیل کند و از فعال‌کردن مکانیسم ماشه و سایر موضوعات مربوط به پرونده ایران پل ارتباطی با آمریکا بسازد. دلیل اصلی‌اش هم این است که واقعا اروپا نمی‌خواهد مفروضات و کلیشه‌های سیاست خارجی خود را عوض کند و همچنان تصور می‌کند نظم بین‌الملل با محوریت آمریکا و حمایت اروپا در حال شکل‌گیری است؛ اینجاست که اروپا هیچ‌گونه استقلال عملی از ایالات متحده آمریکا در قبال ایران ندارد؛ یعنی چه با شکاف و چه بدون شکاف، چه با اشتراک نظر و چه بدون اشتراک نظر اروپا و آمریکا، اساسا اروپایی‌ها توان اتخاذ سیاست مستقل را ندارند.

✦ پس لازم شد این سؤال را هم بپرسم که چه آینده‌ای را برای ناتو تصور می‌کنید؟ چون اینجا هم دو روایت وجود دارد؛ برخی در صورت تداوم شکاف و گسل فعلی بین دو سوی اتلانتیک، ناتو را در حال تضعیف و حتی نابودی می‌بینند و برخی هم معتقدند که احتمالا ناتو به حیات خود ادامه دهد، اما اروپایی‌ها ممکن است به دنبال تشکیل یک ارتش مستقل اروپایی باشند.

صرفا و به تنهایی داشتن ارتش مستقل اروپایی تعیین‌کننده نیست.

✦ چرا؟

چون اگر اروپا بخواهد یک نهاد نظامی یا ارتش مستقل تشکیل

جرجش آمریکا به سمت روسیه؛ آیا اروپا باید آمریکا را دشمن بداند؟

در تحلیل‌های چرایی و تبعات تشدید گسل بین قاره سبز و ایالات متحده، استفن والت در جدیدترین یادداشت خود برای فارن پالیسی هشدار می‌دهد: «دولت دوم ترامپ ممکن است روابط آمریکا با اروپا را به‌طور بنیادین تغییر دهد؛ چراکه ترامپ با رویکردی خصمانه، از راست افراطی اروپا حمایت می‌کند، ناتو را نادیده می‌گیرد و به روسیه نزدیک می‌شود». بنابراین به باور استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد، «این سیاست‌ها می‌تواند اتحاد فراتلانتیکی را تضعیف و اروپا را به تقویت توان دفاعی و کاهش وابستگی به واشنگتن سوق دهد». والت اعتقاد دارد «دونالد ترامپ نگاه خود را تغییر داده و روسیه تحت رهبری ولادیمیر پوتین را به‌عنوان یک گزینه مطلوب‌تر در نظر گرفته است و این تمایلات در حال شکل‌دهی به سیاست خارجی آمریکا است.»

این تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی در فراز مهمی از نوشته خود به این نکته کلیدی می‌پردازد که «ترامپ، جی‌دی ونس، پیت هگست و دیگر مقامات دولت فراتر از اختلافات سنتی درباره تقسیم بار مسئولیت، ضرورت توزیع منطقی‌تر وظایف در داخل اتحاد یا ارزیابی مجدد استراتژی جنگ اوکراین و روابط با روسیه رفته‌اند». با چنین برداشتی، این استاد برجسته روابط بین‌الملل، «هدف دولت دوم ترامپ را در مصادیقی مانند ایجاد تغییرات بنیادی در روابط با متحدان دیرینه آمریکا، بازنویسی قواعد بین‌المللی و در صورت امکان بازتعریف ساختار اروپا در راستای شعار «آمریکا را دوباره بزرگ کنیم»، خلاصه می‌کند». البته والت می‌گوید: «این دستور کار، آشکارا با نظم مستقر در اروپا در تضاد است و نشان می‌دهد که دولت ترامپ تنها به دنبال اصلاح رویکردهای گذشته نیست، بلکه قصد دارد معادلات بنیادین نظم بین‌المللی را درگرن کند.»

تشدید منازعه غرب در برابر غرب؟

در پیوست تحلیل استفن والت باید گفت که نگرش انتقادی ترامپ به ناتو و اعتراض از سهم پایین کشورهای اروپایی در پرداخت هزینه‌های این ائتلاف (ناتو) نیز از دیگر زمینه‌های اختلافی است که در دولت دوم او (ترامپ)، کماکان روابط با اروپا را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. درست مانند حمایت از راست‌گرایان و نزدیکی به رهبران پوپولیست راست‌گرا در اروپا که با ارزش‌های سنتی قاره سبز در تضاد است و خشم آلمان و انگلیس از مواضع ترامپ و ایلان ماسک را برانگیخته است.

به گفته کریستی رایبک، مدیر مرکز بین‌المللی دفاع و امنیت در تالین، استونی، بازگشت ترامپ به ریاست جمهوری شکاف‌های عمیقی را در اروپا نمایان و رویکردهای متفاوتی را در قبال ترامپ ایجاد کرده است. برخی کشورها مانند آلمان رویکرد اخلاقی دارند، درحالی‌که فرانسه به دنبال فرصت‌هاست. اما مکرون در مونیخ به سران اروپا گفته باید در جلسه‌ای فوق‌العاده، مقابله با آمریکا را بررسی کنند. جنگ اوکراین، موج راست‌گرایی افراطی، اختلاف با دانمارک در سر گرینلند و بی‌اعتنایی به اروپا در تنش‌های خاورمیانه، ترامپ و اروپا را به‌شدت از هم دور کرده است، تا جایی که رئیس جمهور اوکراین پیشنهاد داده اروپا ارتشی مستقل ایجاد کند؛ نوعی ناتو بدون حضور آمریکا.

در سایه آنچه گفته شد، بحران فعلی (در روابط آمریکا و اروپا) می‌تواند در پرونده ایران نیز آمریکا و اروپا را مقابل یکدیگر قرار دهد. ترامپ در حالی به فشار حداکثری علیه کشورمان ادامه می‌دهد که اروپا با مکانیسم ماشه می‌تواند مرگ برجام را اعلام کرده و دیهه‌ای تقدیم ترامپ کند. با این حال ممکن است شکاف در روابط ایالات و دخالت‌های کاخ سفید در مسائل داخلی اروپا، تروئیکای اروپایی را وادارد که در موضوع ایران متفاوت از واشنگتن عمل کند. البته از آنجا که اروپا از نزدیکی تهران و مسکو و جوشایی موجود در جنگ اوکراین خشمگین است، احتمال دارد به‌طور مستقل علیه ایران وارد عمل شود. اما در پرونده هسته‌ای بعید است اروپا در این شرایط به کارزار فشار حداکثری ترامپ بپیوندد.

شکاف در روابط اروپا و آمریکا به معنای فرصت برای ایران نیست!؟

بنا توجه به نکات یادشده، گسل کم‌سابقه و حتی بی‌سابقه در مناسبات ایالات متحده و اروپا می‌تواند به‌عنوان یک فرصت دیپلماتیک در راستای آغاز مذاکرات ایران و قاره سبز عمل کند. این در حالی است که برخی از ناظران اذعان دارند با وجود این اختلافات بین اروپا و آمریکا، دو طرف کماکان بر سر تقابل و نوع مواجهه با ایران اشتراک نظر خود را دارند و این شکاف، لزوما به معنای ایجاد فرصت برای تهران نخواهد بود. از این منظر و برای بررسی دقیق‌تر آثار و تبعات تداوم اختلافات اروپا و آمریکا بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌گفت‌وگویی با محسن بهاروند نشته‌ایم تا ارزیابی سنجیم پیشین ایران در انگلستان و معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران را درباره این موضوع جویا شویم.

✦ جناب بهاروند، پس از بسته‌شدن پرونده مذاکرات با آمریکا، اکنون طیفی راه‌حل جایگزین را در ادامه مذاکرات با اروپا می‌دانند. این در حالی است که بعد از ششست ریاض در هفته گذشته و آغاز تحرکات دیپلماتیک دولت ترامپ و روسیه برای احیای روابط دوجانبه و پایان‌دادن به جنگ اوکراین، شکاف تقریبا بی‌سابقه‌ای در روابط دو سوی اتلانتیک (اروپا و آمریکا) شکل گرفته است. آیا به باورتان اروپا و آمریکا در صورت تداوم این اختلاف‌ها و تنش‌ها به یک نقطه برگشت‌ناپذیر از تقابل خواهند رسید؟

به نظر من در جنبه‌هایی از مناسبات آمریکا و اروپا این اتفاق روی خواهد داد، اما اینکه تصور کنیم همه روابط دو سوی اتلانتیک به این نقطه برسند، قدری دور از واقعیت است.

✦ با توجه به حجم واکنش‌های تند کشورهای اروپایی، هم روسیه و پوتین و هم ایالات متحده و دونالد ترامپ احتمال داده‌اند که در مذاکرات پیش‌رو، اروپایی‌ها را هم دخالت بدهند. در مقابل برخی از ناظران از تغییرات راهبردی در نظام بین‌الملل می‌گویند و معتقدند که در حال بازگشت به نظم بین‌الملل در دوره پس از جنگ جهانی دوم هستیم که ای‌قدرت‌های جهانی در حال تعیین تکلیف برای کل نظام بین‌الملل بودند. واقعا نظم هزاره سوم در حیات جمعیت به یک نقطه است؟

گزارش

«شرق» از کش‌وقوس‌های سیاسی درباره تعیین تکلیف لوامح باقی‌مانده FATF گزارش می‌دهد

الاکلنگ سیاسی برای FATF

موسی موحد: به‌رغم تلاش دولت چهاردهم برای تعیین تکلیف باقی‌مانده FATF، هنوز این موضوع درکش‌وقوس‌های سیاسی قرار دارد. کمااینکه غلامعلی حدادعادل در ارزیابی خود از نتیجه بررسی FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام خبر داد: «موضوع FATF هنوز در صحن مجمع مطرح نشده و کمیسیون مشترک در حال بررسی آن است. پس از اتمام بررسی‌ها و زمانی که به صحن بیاید، موافقان و مخالفان جدی نظرات خود را ارائه خواهند داد». لذا این فعال سیاسی مدعی شد «منی‌توان نتیجه آن را پیش‌بینی کرد». به نوشته ایرنا، حدادعادل افزود: «تلاش مجمع در مجموع بر این است که این بررسی به صورت منطقی و بر اساس مصالح ملی انجام شود. تشخیص اینکه چه چیزی به مصلحت ملی است، پس از انجام بررسی‌ها، شنیدن مخالفت‌ها و اخذ رای مشخص خواهد شد. مجمع جلسه کمیسیون مشترک مجمع تشخیص مصلحت نظام، عصر چهارشنبه یکم اسفندماه برای رسیدگی به لایحه اختلافی مجلس و شورای نگهبان در مورد پیوستن ایران به کنوانسیون CFT تشکیل شد». در این جلسه که به ریاست آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی، با حضور نمایندگان کمیسیون‌های «اقتصادی»، «سیاسی، دفاعی و امنیتی»، «حقوقی و قضائی» مجمع، معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکز اطلاعات مالی، معاون رئیس کل بانک مرکزی و نمایندگان وزارت امور خارجه و وزارت نفت با موضوع آثار حقوقی پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون «مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT)»، برگزار شد، اعضای کمیسیون مشترک مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از استماع نتایج بررسی‌های کارگروه مناظر این کمیسیون در دبیرخانه مجمع، در ادامه به تبادل نظر درباره ایرادات شورای نگهبان درباره آثار حقوقی پیوستن به کنوانسیون مقابله‌با تأمین مالی تروریسم و بیان دیدگاه‌های خود در پذیرش یا عدم پذیرش این الحاق پرداختند. در ادامه، اعضای کمیسیون مشترک به تبادل نظرپرداختند و ایرادات شورای نگهبان درباره مفاد این کنوانسیون مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس گزارش کمیسیون مشترک به صحن مجمع ارائه می‌شود و پس از بررسی نهایی توسط اعضای مجمع،درباره مصلحت مورد نظر مجلس شورای اسلامی، رای‌گیری خواهد شد. مشاور عالی رهبر انقلاب اسلامی در ادامه‌ی این‌گفت‌وگو در ارزیابی‌ش خود از شعار وفاق ملی رئیس دولت چهاردهم و انسجام و وحدت‌شکل‌گرفته میان سران قوا درباره حل مشکلات کشور، غلبه بر بحران ناترازی‌ها و کمک به مردم اعلام کرد: «من هم به این وفاق امیدوار هستم». حدادعادل تأکید کرد: «از ابتدای شکل‌گیری دولت آقای پزشکیان با خوش‌بینی به گفتمان وفاق نگاه کرده‌ام، اما توصیه‌به دوستان اصلاح‌طلبی این خود را به آقای پزشکیان نزدیک می‌دانند این است که به ایشان کمک کند تا به وفاق ملی عمل کنیم. خوشدان معنی این جمله را می‌دانند». البته علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور، در یادداشتی با اشاره به تلاش‌ها برای استیضاح عبدالناصر مهتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی، گریز انتقادی هم به‌تعلل در تکلیف درباره تعیین تکلیف لوامح باقی‌مانده FATF زد و به گفته او: «این روزها بحث استیضاح داغ شده است. آری! به نظر باید استیضاح کرد، اما باید سیاست‌هایی را استیضاح کرد که امروز نه‌تنها کمکی به حل مسائل نگرداند، بلکه همواره بر حجم مشکلات افزوده و فرصت‌های ملی را هدر داده‌اند». ربیعی ادامه داد: «باید کسانی را استیضاح کرد که تفکرشان اجازه شادی و نشاط به جامعه نداد». دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور تأکید می‌کند: «باید افرادی را باید استیضاح کرد که اجازه ندادند به شکل عزم‌مندانانه و بی‌رومنانه، برجام به ثمر بنشیند. آتهایی که با بهانه‌های مضحک و بوج مانند «دولت وقت می‌خواهد سرداران را تحویل خارجی‌ها دهد»، یک جامعه و یک ملت را باید استیضاح کرد». در حالی همچنان در مورد تعیین تکلیف لوامح باقی‌مانده FATF ادامه دارد. صمد حسن‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی ایران، دیروز در آخرین نشست سالانه هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در دوره دهم با اجازه ندادند به لزوم بهبود از این نوع کشورها باید این باشد که در حد مناسبات دوجانبه تأثیرات نسبی داشته باشند. در غیر این صورت واقعا سرمایه‌گذاری روی این کشورها برای سال آینده ما را به نقطه ایدنالی که برای خود ترسیم کرده‌ایم، نخواهند رساند. پس آینده مناسبات و تحولات سال ۱۴۰۴ در نتیجه تصمیماتی است که خود ایران می‌گیرد.